

مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای

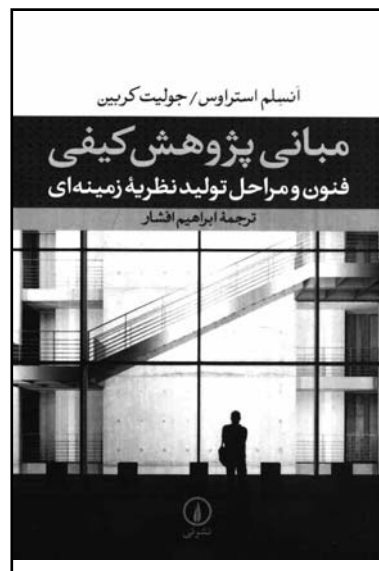
■ دکتر یزدان منصوریان^۱

دانشیار دانشگاه خوارزمی

به عرصه مطالعات کیفی است. درباره آن نیز تا کنون کتاب‌های متعددی در دنیا منتشر شده، که البته کتاب **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، یکی از معروف‌ترین و موفق‌ترین عناوین در این عرصه است، و خوشبختانه اکنون به همت دکتر ابراهیم افشار ترجمه دقیقی از آن در اختیار جامعه دانشگاهی کشور قرار گرفته است.

درباره نویسندگان

نویسنده نخست این اثر آنسلم استراوس^۲، جامعه‌شناس معروف آمریکایی است که شهرتش در دنیا بیش از آنکه مربوط به حوزه جامعه‌شناسی باشد، ناشی از نقشی است که او در ابداع «نظریه پردازی زمینه‌ای» داشته است. استراوس یکی از دو پدیدآور این روش‌شناسی است که در سال ۱۹۶۷ همراه با بارنی گلیرز^۳ در کتابی با عنوان **کشف نظریه زمینه‌ای**^۴ اصول و مبانی آن را معرفی کرده است. روشی که در ۴۵ سال گذشته ابزار کارآمدی در بسیاری از پژوهش‌های کیفی در دنیا بوده و در بسیاری از حوزه‌های پژوهشی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، پرستاری، علوم تربیتی، مدیریت، بازاریابی، ارتباطات و کتابداری و اطلاع‌رسانی مورد استفاده محققان قرار گرفته است. استراوس دانش‌آموخته مقطع دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو است که تا پایان عمر - سن ۸۰ سالگی در سال ۱۹۹۶ - در بسیاری از دانشگاه‌های آمریکا، اروپا و استرالیا مشغول تدریس و تحقیق بود. از استراوس بیش از ۳۰ کتاب و ۷۰ مقاله برجای مانده، که کتاب حاضر یکی از مهم‌ترین آثار اوست. این کتاب تا کنون به بیش از ۱۰ زبان دنیا از جمله آلمانی، اسپانیایی، روسی، ژاپنی، کره‌ای، چینی، عربی و البته فارسی ترجمه شده است. ترجمه این اثر ارزشمند به چندین زبان، یکی از نشانه‌های اثربخشی و اهمیت آن در حوزه روش پژوهش است. نویسنده دوم کتاب ژولیت کرین^۵ شاگرد استراوس است که ۱۵ سال همراه استادش ضمن مطالعه و پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی در معرفی نظریه زمینه‌ای کوشیده است.



■ استراوس، آنسلم و کرین، جولیت. **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی، ۱۳۹۰. ۳۳۴ ص. شابک: ۹۶۴-۹۷۸-۱۸۵-۱۸۹-۹.

مقدمه

نگاه کیفی به تحقیق بیش از آنکه به روش خاصی محدود شود، رویکرد ویژه‌ای است که در قالب روش‌های گوناگون قابل اجراست. از جمله این روش‌ها، می‌توان به نظریه‌پردازی زمینه‌ای (داده‌بنیاد یا گراندند تئوری)، پدیدارشناسی، قوم‌نگاری، تحلیل گفتمان، اقدام‌پژوهی، موردکاوی و مطالعات تاریخی اشاره کرد. به‌رغم تفاوت‌هایی که در تعریف و چگونگی اجرای این روش‌ها وجود دارد، به دلیل بنیاد مشترکی که آنها را پیوند می‌دهد، شباهتشان به مراتب بیش از تفاوتشان است. بر این اساس، آشنایی دانشجویان با مفاهیم بنیادین رویکرد کیفی گام مؤثری برای استفاده از این روش‌ها خواهد بود. به‌ویژه نظریه زمینه‌ای از محبوبیت و پذیرش خاصی در جامعه پژوهشگران حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی برخوردار است، و آشنایی با این روش گامی مطمئن برای ورود

درباره مترجم

دکتر ابراهیم افشار عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، و دانش آموخته مقطع دکتری دانشگاه «نیوساوت ولز» استرالیا است. علائق آموزشی و پژوهشی ایشان بیشتر در حوزه‌های مدیریت کتابخانه، مجموعه‌سازی، خدمات مرجع، مبانی نظری کتابداری و رویکرد کیفی در پژوهش است. ایشان در کارنامه خود آثار متعددی دارند، که از آن جمله می‌توان به سرویراستاری جلد دوم «دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی» و تألیف و ترجمه چندین مقاله تخصصی اشاره کرد. علاوه بر آن، ایشان ویراستار ترجمه کتاب **مبانی مدیریت برای متخصصان اطلاع‌رسانی** هستند، که مقایسه کیفیت این ترجمه با ترجمه قبلی آن اثر تفاوت ترجمه حرفه‌ای را با ترجمه‌های ناشیانه به خوبی نشان می‌دهد. ترجمه دقیق برخی مقاله‌های اثرگذار در کتابداری نظیر «سنجش خوبی خدمات کتابخانه: چارچوب کلی برای مقیاس‌های کمی» و «رویکرد معنابخشی در مطالعات اطلاع‌رسانی»، از نمونه آثار اثربخش ایشان در عرصه ترجمه است. در مجموع، دکتر افشار به کیفیت آثار خود به مراتب بیش از کمیت آن توجه دارند و این نگرش در روزگار پرشتاب و کمی‌گرایی ما درس ارزشمندی برای آموختن است؛ مثلاً، دو مقاله ایشان با عناوین «آثار وابسته و فهرست‌نویسی آنها» و «تنظیم صفحه عنوان و صفحه حقوق کتاب‌ها: توصیه‌هایی به ویراستاران و ناشران»، نمونه مقاله‌هایی هستند که به‌رغم گذشت دو دهه از انتشارشان هنوز خواندنی و مفیدند.

معرفی کتاب

کتاب حاضر شامل سه بخش و ۱۷ فصل است. بخش نخست با عنوان «ملاحظات کلی»، چهار فصل نخست این اثر را به خود اختصاص می‌دهد. در فصل اول ویژگی‌های پژوهشگر کیفی و پیشینه تاریخ رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای معرفی می‌شود. در بیان ویژگی‌های پژوهشگران کیفی موفق، نویسندگان کتاب به توانایی تفکر انتزاعی، تحلیل دقیق داده‌ها، انعطاف‌پذیری فکری، انتقادپذیری، توجه به جزئیات، پرهیز از شتابزدگی، مجذوب کار شدن و اخلاص اشاره می‌کنند. در ادامه، برای آشنایی خوانندگان با مفاهیم پرتکرار در این کتاب، ضمن توصیف آنها به بیان ویژگی‌های هر یک و شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌پردازند. مثلاً در تعریف سه مفهوم «روش‌شناسی»، «روش» و «کدگذاری» در صفحه ۲۵ کتاب آمده است:

«روش‌شناسی شیوه اندیشیدن درباره مطالعه واقعیت‌های اجتماعی است، و روش مجموعه‌ای از ترتیبات عملی یا رویه‌ها و تکنیک‌هاست که برای گردآوری و تحلیل داده‌ها به کار می‌آیند. کدگذاری نیز فرایندی تحلیلی است که طی آن داده‌ها مفهوم‌گذاری می‌شوند و به هم می‌پیوندند تا نظریه را شکل دهند.»

فصل دوم با عنوان «توصیف، نظم دادن مفهومی و نظریه‌سازی»، به تشریح سه مفهوم بنیادین در رویکرد کیفی می‌پردازد. توصیف؛ استفاده از کلمات برای انتقال تصویر ذهنی یک رویداد، منظره، صحنه، هیجان یا احساس است، و شرحی است که از زاویه دید وصف‌کننده بیان می‌شود. پس از آن، نظم‌دهی مفهومی سازماندهی و گاه رتبه‌بندی داده‌ها بر حسب شماری

ویژگی معین و مشخص و ابعاد آنهاست. همچنین، در صفحه ۳۷ نظریه اینگونه تعریف شده است:

«نظریه مجموعه‌ای از مفاهیم پرورده است که با جملاتی که رابطه را می‌رساند، به هم وصل شده باشند و همراه با هم چارچوب به هم پیوسته‌ای بسازند که بتوان آن را برای توضیح یا پیش‌بینی پدیده‌ها به کار برد.»

فصل سوم با عنوان «تعامل میان پژوهش کیفی و کمی»، به مقایسه دو رویکرد کمی و کیفی می‌پردازد. در این فصل آمده است، شکل‌های کمی و کیفی پژوهش هر دو در نظریه‌سازی نقش‌هایی بر عهده دارند. مسئله این نیست که از این یا آن شکل استفاده کنیم؛ مسئله چگونگی به کار گرفتن هر دو برای تقویت کار پرورش نظریه است، و این دو مکمل یکدیگرند. بخش کیفی باید به بخش کمی جهت دهد و در ادامه، بخش کمی به کار کیفی بازخورد دهد و این فرایند دایره‌وار و تکاملی است.

فصل چهارم به ملاحظات عملی در انتخاب مسئله، بیان پرسش پژوهش، و پس از آن حفظ موازنه میان عینیت و حساسیت، و همچنین چگونگی استفاده از نوشته‌ها اختصاص یافته‌است. این فصل استمرار منطقی و منسجم سه فصل قبلی است، و البته خود مدخلی برای فصل‌های بعدی به‌شمار می‌آید. پرسش اصلی پژوهش و شیوه عبارت‌بندی آن پژوهشگر را به بررسی داده‌ها از زاویه‌ای مشخص می‌کشاند، و استفاده از فنون گردآوری و تحلیل معین را موجب می‌شود. پرسش پژوهش آهنگ پروژه پژوهشی را تعیین می‌کند، که توجه به آن نقش ویژه‌ای در حفظ تمرکز پژوهشگر دارد.

فصل پنجم آغازگر بخش دوم است که با اختصاص ۱۰ فصل از ۱۷ فصل کتاب، بزرگ‌ترین بخش آن محسوب می‌شود. بخش نخست با چهار فصل، خود مقدمه‌ای برای بخش دوم است. به این ترتیب، بخش دوم از نظر حجم و محتوا بدنه اصلی کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. فصل پنجم با عنوان «تحلیل از راه بررسی میکروسکوپی داده‌ها»، همراه با مثال‌های متعدد چگونگی تحلیل را آموزش می‌دهد. در این فصل تحلیل خرد که همان تحلیل سطر به سطر داده‌هاست و برای یافتن مقوله‌ها و تبیین ویژگی‌ها و ابعادشان ضروری است، به روشنی تشریح شده است. مراد استراوس و کربین از تحلیل خرد ترکیبی از کدگذاری باز و محوری است. آنان تحلیل خرد را متضمن بررسی و تفسیر دقیق داده‌ها می‌دانند، که معمولاً با بررسی سطر به سطر متن مصاحبه‌ها، یادداشت‌های حاصل از مشاهدات میدانی، دفترهای خاطرات، دستنامه‌ها و دیگر مواد نوشتاری یا دیداری همراه است. در این تحلیل، تصویرها، کلمه‌ها، جمله‌ها، و پارگراف‌ها به ریزترین اجزاء ممکن تقسیم می‌شوند تا پژوهشگر بتواند مفاهیم پنهان در انبوهی از داده‌های گردآوری شده را شناسایی و توصیف کند.

فصل ششم با عنوان «عملیات پایه»، دو فرایند بنیادین در پژوهش کیفی یعنی پرسش و مقایسه را تبیین می‌کند. در این فصل طرح پرسش به عنوان شگردی مطرح شده که برای باز کردن مسیر پژوهش و نمونه‌گیری نظری به کار می‌آید. منظور از

روش‌شناسی شیوه

اندیشیدن درباره

مطالعه واقعیت‌های

اجتماعی است، و

روش مجموعه‌ای

از ترتیبات عملی یا

رویه‌ها و تکنیک‌هاست

که برای گردآوری و

تحلیل داده‌ها به کار

می‌آیند

انسجام درون متن و انسجام در فصل‌بندی کتاب از دیگر امتیازهای بارز این اثر است. نشر روان، هموار و استوار کتاب مطالعه آن را بسیار آسان و دلپذیر می‌سازد

نمونه‌گیری نظری، نمونه‌گیری براساس مقوله‌های پدیدار شده در تحقیق است، که بتوان با کمک آن دامنه ابعاد و شرایط پدیده مورد مطالعه را شناسایی کنیم. در ادامه این فصل، چهار نوع اصلی از پرسش‌های اساسی در پژوهش کیفی معرفی شده‌اند، که عبارتند از: پرسش‌های حساس‌کننده، پرسش‌های نظری، پرسش‌های دارای ماهیت عملی و سرانجام پرسش‌های هدایت‌کننده. نوع نخست این پرسش‌ها به پژوهشگر کمک می‌کند به پدیده مورد مطالعه نزدیک شود و شناخت بیشتری از بافتی که آن را احاطه کرده است، پیدا کند. اما نوع دوم که پرسش‌های نظری هستند، به پژوهشگر کمک می‌کند گوناگونی بین مفاهیم و فرایندهای جاری را بهتر بشناسد و از آن مهم‌تر ارتباط میان آنها را درک کند؛ مثل پرسش‌هایی که حاکی از رابطه علی و معلولی یا همبستگی میان مفاهیم هستند. پرسش‌های دارای ماهیت عملی سمت و سوی نمونه‌گیری را مشخص می‌کند و در خلال فرایند تحقیق مطرح می‌شوند، تا زمانی که پژوهشگر از نظر گردآوری داده‌ها به نقطه اشباع برسد. سرانجام، پرسش‌های هدایت‌کننده برای انجام مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و تحلیل اسناد به کار می‌آیند. اغلب این پرسش‌ها در ابتدا کاملاً باز هستند، که به تدریج خاص‌تر و پالایش‌یافته‌تر می‌شوند. در ادامه این فصل، نویسندگان به تبیین فرایند مقایسه در تحقیق می‌پردازند و تحلیل مقایسه‌ای را به عنوان شایبیت پژوهش در علوم اجتماعی معرفی می‌کنند. آنان به درستی بر این باورند که فقط پژوهشگرانی در تحلیل داده‌ها موفقند که از مهارت‌های لازم برای توصیف و مقایسه برخوردار باشند.

فصل هفتم مدخل اصلی کتاب به بحث‌های کاربردی است و چگونگی تحلیل مفاهیم را آموزش می‌دهد. سپس در انسجام منطقی، فصل‌های هشتم تا دهم به ترتیب به «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری»، و «کدگذاری گزینشی»^۲ اختصاص یافته‌اند. مطالعه این سه فصل برای همه کسانی که علاقه‌مند به یادگیری عملی تحلیل داده‌های کیفی هستند، بسیار ضروری است.

کدگذاری باز فرایندی تحلیلی است که با آن مفهوم‌ها شناسایی می‌شوند و سپس ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند. کدگذاری محوری که مرحله بعد است، فرایندی است که طی آن مقوله‌ها براساس ویژگی‌ها و ابعادشان به یکدیگر مرتبط می‌شوند و مقوله‌های اصلی و فرعی ساخته می‌شوند. به سخنی دیگر، مبنای کدگذاری باز توانایی پژوهشگر در توصیف است و بنیاد کدگذاری محوری بر توانایی آنان بر مقایسه کردن استوار است؛ توصیف و مقایسه‌ای پیوسته و منسجم که خود مبنای تحلیل است. کدگذاری گزینشی که با کشف مقوله مرکزی و رسیدن به نقطه اشباع^۳ همراه است، زمینه‌ساز یکپارچه‌سازی و ظهور نظریه‌ای است که پژوهشگران در نظریه‌پردازی زمینه‌ای در جست‌وجوی آنند. فقط باید به خاطر داشت که نظریه یافته نمی‌شود، بلکه ساخته می‌شود. نظریه به هیچ‌وجه مثل پاسخ معادله‌های ریاضی نیست که کشف شود و همواره نیز یکسان باشد. نظریه جایی در انتظار کشف شدن نیست، بلکه هر نظریه براساس داده‌های گردآوری شده از بافت طبیعی پدیده

مورد مطالعه و در فرایندی طولانی که شامل توصیف مقایسه، تحلیل و تفسیر است، به تدریج ساخته و پرداخته می‌شود.

فصل یازدهم با عنوان «کدگذاری فرایند»، و فصل دوازدهم با عنوان «ماتریس شرطی / پیامدی» مکمل سه فصل قبلی محسوب می‌شوند. سیزدهمین فصل کتاب با عنوان «نمونه‌گیری نظری»^۴ به تبیین فرایند نمونه‌گیری در پژوهش کیفی اختصاص یافته است. فصل چهاردهم با عنوان «یادداشت تحلیلی و نمودار»، برخی وجوه عام و خاص یادداشت‌های تحلیلی، جنبه‌های فنی خاص در این یادداشت‌ها و مرتب کردن آنها را در سه نوع کدگذاری آموزش می‌دهد.

سرانجام، بخش سوم و پایانی کتاب با فصل پانزدهم آغاز می‌شود که آغازگر بحث مربوط به چگونگی نگارش گزارش‌های حاصل از پژوهش‌های کیفی است. در این فصل نویسندگان کتاب توصیه‌های خود را درباره اهمیت و چگونگی نوشتن پایان‌نامه، تکنک‌نگاشت و ارائه سخنرانی در اختیار خوانندگان قرار داده‌اند. فصل شانزدهم با عنوان «ملاک‌های ارزشیابی»، به چگونگی ارزیابی پژوهش‌های کیفی اختصاص یافته است. بدیهی است که برخی از معیارهای ارزیابی پژوهش‌های کمی و کیفی کم و بیش مشترکند. اما به دلیل ویژگی‌های رویکرد کیفی، در تعمیم‌پذیری و قابلیت بازتولید به نحوی که در مطالعات پوزیتویستی اهمیت دارد، مطرح نیست؛ زیرا معمولاً مطالعات کیفی در بافت طبیعی پدیده مورد مطالعه بررسی می‌شوند و امکان بازتولید پژوهش یا تعمیم نتایج آن به سهولت ممکن نیست. اما ویژگی‌هایی مانند سازگاری نظریه با مشاهده، سازگاری اجرا، ربط،^۵ دقت و قابلیت واریسی^۶ در هر دو شکل کمی و کیفی اهمیت دارند. در ادامه، استراوس و کربین بر این واقعیت تأکید می‌کنند که این معیارها هرچه بنامیم، باید در هنگام ارزیابی پژوهش به برخی پرسش‌های اساسی پاسخ گوئیم؛ پرسش‌هایی نظیر: آیا مفاهیم به خوبی تولید شده‌اند؟ آیا مفاهیم به صورت منظم به هم مرتبط شده‌اند؟ آیا پیوندهای مفهومی به اندازه کافی پرورده شده‌اند؟ آیا مقوله‌ها غنای مفهومی دارند؟ با این حال، در پایان فصل نیز به خواننده یادآور می‌شوند که معیارهای ارزیابی پژوهش، قوانین سخت و انعطاف‌ناپذیری نیست که نتوان ذره‌ای از آن فاصله گرفت، کافی است پژوهشگر مسیری را که از آغاز تا انجام پژوهش طی کرده، به خوبی مستندسازی و سپس برای خوانندگان توصیف کند تا پابندی خود را به اصول و مبانی پژوهش و چگونگی به کار بستن آن نشان دهد. آخرین فصل کتاب با عنوان «پرسش و پاسخ دانشجویان»، شامل ۲۰ پرسش و پاسخ آنهاست، که در خلال تدریس دانشجویان از استراوس پرسیده‌اند. پرسش‌های متداولی که ممکن است برای بسیاری از دانشجویان و پژوهشگرانی که از این رویکرد استفاده می‌کنند، مطرح باشند. در نهایت، کتاب با واژه‌نامه‌ای مفید، فهرستی از منابع مرتبط و نمایه‌ای جامع و دقیق به پایان می‌رسد.

امتیازها و کاستی‌ها

کتاب **مبانی پژوهش کیفی**، به چند دلیل اثری ممتاز در عرصه آموزش اصول و فنون رویکرد کیفی در تحقیق است. نخست آنکه، یکی از دو نویسنده این اثر - استراوس - یکی از دو مبدع اصلی نظریه‌پردازی زمینه‌ای است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، وی

نتیجه‌گیری

در مجموع، ترجمه کتاب **مبانی پژوهش کیفی** نشان می‌دهد که مهارت‌های زبانی، نگارشی و تخصصی مترجم تا چه اندازه در کیفیت ترجمه مؤثر است، و ترجمه‌ای دقیق و رسا تا چه اندازه می‌تواند در انتقال پیام نویسنده اهمیت داشته باشد. همه دانشجویان و پژوهشگرانی که در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، پرستاری، ارتباطات، کتابداری و اطلاع‌رسانی که علاقه‌مندند از رویکرد کیفی استفاده کنند، می‌توانند با مطالعه این اثر سودمند نکته‌های کلیدی متعددی را در فرایند تحقیق بیاموزند.

پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@tmu.ac.ir
2. Anselm Strauss (<http://sbs.ucsf.edu/medsoc/anselmstrauss/index.html>)
3. Barney Glaser
4. The Discovery of Grounded Theory
5. Juliet Corbin
6. Methodology
7. Open, Axial and Selective Coding
8. Saturation Point
9. Theoretical Sampling
10. Consistency and Relevance
11. Precision and Verification

مآخذ

- آر، ریچارد (۱۳۸۵). «سنجش خوبی خدمات کتابخانه: چارچوب کلی برای مقیاس‌های کمی». ترجمه ابراهیم افشار. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ش ۶۷، صص ۲۲۹ - ۲۵۰.
- افشار، ابراهیم (۱۳۷۱). «آثار وابسته و فهرست‌نویسی آنها». فصلنامه آینه پژوهش، دوره ۲، ش ۶، صص ۱۶ - ۲۳.
- افشار، ابراهیم (۱۳۷۱). «تنظیم صفحه عنوان و صفحه حقوق کتاب‌ها: توصیه‌هایی به ویراستاران و ناشران». نشر دانش، دوره ۱۲، ش ۲، صص، ۴۴ - ۵۱.
- اونز، ادوارد (۱۳۸۸). «مبانی مدیریت برای متخصصان اطلاع‌رسانی». ترجمه مینو واعظزاده و دیگران، ویراسته ابراهیم افشار، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- دروین، برندا (۱۳۸۱). «رویکرد معنا بخشی در مطالعات اطلاع‌رسانی». ترجمه ابراهیم افشار، فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ۴، ش ۴، صص ۸۰ - ۱۰۲.
- Glaser, B. & Strauss, A. (1967), *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine Publishing.

در سال ۱۹۶۷ نخستین کتاب را در این زمینه با عنوان **کشف نظریه زمینه‌ای**، همراه با «بارنی گلیزر» تألیف کرد. بر این اساس، از نظر شهرت و جایگاه نویسندگان می‌توان امتیاز بالایی برای این اثر در نظر گرفت. اما بدیهی است که ارزش و اعتبار این کتاب فقط در سایه شهرت نویسندگان آن ایجاد نشده است؛ متن منسجم، دقیق و پربار کتاب باعث شده که از زمان انتشار تا امروز به عنوان یکی از آثار کلاسیک درباره نظریه پردازی زمینه‌ای مطرح باشد.

انسجام درون متن و انسجام در فصل‌بندی کتاب از دیگر امتیازهای بارز این اثر است. نثر روان، هموار و استوار کتاب مطالعه آن را بسیار آسان و دلپذیر می‌سازد. سرانجام، بر فهرست امتیازهای این اثر می‌توان ترجمه دقیق، روشن و کاملاً وفادار به متن را افزود که محصول توانمندی مترجم محترم و شکیبایی ایشان در برگردان این اثر است. ترجمه‌ای که دکتر افشار از متن کتاب حاضر در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار داده است، مثال بسیار خوبی از ترجمه‌های موفق در حوزه روش تحقیق است، که متأسفانه تعداد چنین ترجمه‌های خوبی در سال‌های اخیر انگشت‌شمار است. مقایسه متن اصلی با ترجمه نشان می‌دهد، ضمن آنکه مترجم محترم به متن اصلی وفادار بوده است، با چیره‌دستی قابل تحسینی توانسته متن را به زبانی ساده، سلیس و روان در اختیار خوانندگان قرار دهد. علاوه بر این، باید به نقش ناشر این اثر - نشر نی - نیز در موفقیت آن اشاره نمود. صفحه‌آرایی مناسب، کیفیت چاپ و توجه به سایر نکته‌های فنی بر ارزش محتوایی آن افزوده و کتاب را جذاب‌تر و خواندنی‌تر ساخته است.

در کنار امتیازهای متعدد کتاب حاضر اشاره به کاستی‌های احتمالی کار دشواری است، زیرا این اثر از تقریباً تمام ویژگی‌های لازم در کتاب آموزش روش تحقیق برخوردار است. اما هر اثر خوب نیز می‌تواند بهتر از آنچه که هست باشد، اگر نویسندگان به نیازهای خوانندگان بیشتر توجه کنند. مثلاً، در این کتاب تعداد و تنوع مثال‌های عینی از کاربرد رویکرد کیفی در حوزه‌های موضوعی مختلف به اندازه نیاز خوانندگان نیست. به این ترتیب، ممکن است خوانندگان از مطالعه متنی که در بیشتر بخش‌ها کاملاً انتزاعی و مفهومی است، کمی خسته و ملول شوند؛ این مشکل در فصل دوازدهم دیده می‌شود. برخی از بخش‌های کتاب نیز دچار «ایجاز مُخل» است، به این معنا که خواننده نیاز به توضیح بیشتر دارد و برخی از پرسش‌های او بی‌پاسخ می‌ماند؛ فصل سیزدهم که درباره نمونه‌گیری است، می‌توانست به مراتب مفصل‌تر باشد، زیرا معرفی انواع روش‌های نمونه‌گیری که حدود ۱۵ نوع آن در مطالعات کیفی معمول است، می‌توانست برای خوانندگان مفید باشد. سرانجام نظر به نقش آموزشی کتاب، این انتظار وجود دارد که اثری با چنین رویکردی نکته‌های کاربردی بیشتری در اختیار خواننده قرار دهد. مثلاً، بارها در کتاب به متن برخی از مصاحبه‌ها و اهمیت مصاحبه اشاره شده است، اما نکته‌های عملی در زمینه چگونگی طراحی پرسش‌های مصاحبه و چگونگی استخراج آنها از پرسش‌های پژوهش مطرح نشده است.

مقایسه متن اصلی با

ترجمه نشان می‌دهد،

ضمن آنکه مترجم

محترم به متن اصلی

وفادار بوده است،

با چیره‌دستی قابل

تحسینی توانسته

متن را به زبانی ساده،

سلیس و روان در

اختیار خوانندگان قرار

دهد